

واکاوی پدیدارشناسانه فرآیند غیرنهادی شدن ازدواج

مرضیه شهریاری*

چکیده

پژوهش حاضر با هدف فهم فرآیند غیرنهادی شدن ازدواج با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی انجام شده است. ۱۴ شرکت کننده به وسیله نمونه گیری هدفمند و با استراتژی نمونه گیری معیار انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته و عمیق استفاده شد. پس از تجزیه و تحلیل یافته ها، ۱۲ مضمون اصلی در تجربه آن ها که عبارت اند از: تغییر زیست و عادت واره به مثابه بستری برای شکل گیری شرایط کثرفواره و بی رغبتی به ازدواج دائم، دوگانگی احساس، نداشتن مهارت های زندگی و ازدواج آزمایشی، جذابیت و نیاز جنسی، زیست مجردی، دور زدن قانون خانواده، واسازی ارزشی، هویت مخدوش، جایگزینی کنشگری حسابگرانه به تقدیرگرایانه، مواجهه با دیگری و تجربه بازاندیشانه، از مضامین محوری و مشترک افراد در ارتباط با ازدواج سفید به عنوان مؤلفه هایی از سبک زندگی غربی در این مطالعه است. مشارکت کنندگان در مورد روی آوردن به این ازدواج ذکر می نمایند، عدم اعتقاد به ازدواج رسمی، آزادی انتخاب و حق بر بدن، عدم امنیت شغلی و درآمد کافی، آشنایی بیشتر و عدم اعتماد از مهم ترین تفاسیر از شکل گیری این روابط بوده است.

کلیدواژه ها: ازدواج سفید، هویت مخدوش، سبک زندگی، خانواده، غیرنهادی شدن، پدیدارشناختی.

* استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

خانواده بخش اساسی جامعه‌ای است که در آن افراد ابتدا شخصیت خود و روابط خود را با اعضای خانواده توسعه می‌دهند یکی از مؤثرترین محیط‌ها برای شخص سلامت جسمی و روانی خانواده است. یکی از عوامل به چالش کشیدن سلامت خانواده، زناشویی (دی کاسترو- بوفی، ۲۰۱۶، ۴) و تحول و تغییر در حوزه خصوصی و عمومی انسان‌هاست.

مدرنیته با دگرگونی ساختارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، از مهم‌ترین عواملی است که ساختار خانواده، ازدواج و مفاهیم انسانی و اخلاقی وابسته به آن را تغییر داده است؛ به طوری که شاید هیچ‌کدام از تحولات دنیای امروز، به اندازه اتفاقاتی که در زندگی شخصی، ازدواج و خانواده در حال روی دادن است، نباشد. (براون، ۲۰۲۱، ۹)

در این راستا، به نظر می‌رسد نقش زندگی مشترک در مسیر زندگی خانوادگی در حال تغییر است. تقریباً سه چهارم بزرگسالان جوان در مقطعی با یکدیگر زندگی مشترک داشته‌اند و اکثریت زوج‌هایی که اخیراً ازدواج کرده‌اند، پیش از ازدواج باهم زندگی می‌کنند. (منینگ و استایکس^۳ ۲۰۱۵)

با این حال، اتحادهای مشترک امروزی کمتر به ازدواج ختم می‌شوند و بیشتر به جدایی می‌انجامند. هم‌خانه‌ها کمتر گزارش می‌دهند که قصد دارند با شریک زندگی خود ازدواج کنند و زندگی مشترک سریالی در حال افزایش است. (وسپا، ۲۰۱۴، ۲۰۹) به عبارتی، امروزه زندگی مشترک کمتر انتخابی است، به این معنا که کسانی که هم‌زیستی مشترک دارند، از کسانی که از نظر خصوصیات اندازه‌گیری شده و اندازه‌گیری نشده باهم زندگی نمی‌کنند، کمتر قابل تشخیص هستند.

طبق تئوری انتشار، گزینش‌پذیری زندگی مشترک U شکل است، با رایج‌تر شدن زندگی مشترک کاهش می‌یابد و تنها زمانی افزایش می‌یابد که زندگی مشترک تقریباً جهانی شود، و باعث می‌شود کسانی که زندگی مشترک ندارند، به عنوان یک گروه انتخابی یا متمایز باشند. (براون، ۲۰۱۵، ۱-۲)

بررسی سامانمند پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد، وضعیت تأهل و رابطه صمیمانه از اهمیت حیاتی در رفاه روانی برخوردار است. در مطالعاتی که به طور خاص بر ازدواج متمرکز شده‌اند، مشخص شده است افرادی که رابطه صمیمانه دارند از رفاه

1. De Castro-Bofil

2. Brown

3. Manning & Stykes

4. Vespa

روانی بهتر در مقایسه با سایر وضعیت‌های رابطه برخوردارند (بولوچ^۱ و همکاران ۲۰۱۷)؛ بااین حال، در برخی مطالعات، زندگی مشترک و روابط صمیمی فواید مشابهی ایجاد می‌کنند. مطالعات نشان داده‌اند که این وضعیت‌های ارتباطی با رفاه روانی بهتر نسبتاً مشابه ازدواج هستند. (رپ و استادر^۲ ۲۰۲۰؛ زلا^۳ ۲۰۱۷)

افرادی که در ازدواج یا در روابط صمیمی هستند، بهزیستی روانی بهتری دارند به این دلیل که این افراد حمایت اجتماعی، حمایت مالی و هدف زندگی بیشتری را ارائه می‌دهند. (سولسبی و بنت^۴ ۲۰۱۵)

اگرچه ازدواج یا روابط صمیمانه ممکن است از طریق مکانیسم‌های ذکرشده به رفاه روانی بهتر منجر شود، اثر انتخاب بالقوه باید در نظر گرفته شود، که در آن کسانی که از رفاه روانی بهتری برخوردار هستند، احتمال بیشتری برای ازدواج یا ایجاد روابط دارند. (مستکاسا^۵ ۱۹۹۲ به نقل از؛ بریثویت و هولت لونستاد^۶ ۲۰۱۷) به عقیده لیچتر^۷، «هم‌خانگی به‌طور فزاینده‌ای برای ازدواج است.» (۲۰۱۴، ۷۵۸)

طبق اطلاعات آماری، زندگی مشترک روندی در حال تغییر است، به‌ویژه در ایالات متحده، که در آن تعداد کسانی که بدون ازدواج باهم زندگی می‌کنند، رو به افزایش است. (هورویتز^۸ و همکاران ۲۰۱۹) مرکز تحقیقاتی پیو در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷، بزرگ‌سالان بین ۱۸ تا ۴۴ سال را مورد بررسی قرار داد ($n = 9834$) و کشف کرد که ۶۹ درصد زندگی مشترک بدون ازدواج را قابل قبول می‌دانند. (هورویتز و همکاران ۲۰۱۹) ۱۶ درصد دیگر از بزرگ‌سالان گزارش می‌دهند که اگر قصد ازدواج داشته باشند، زندگی مشترک قابل قبول است؛ درحالی‌که ۱۴ درصد از بزرگ‌سالان می‌گویند که زندگی مشترک بدون ازدواج بدون توجه به برنامه‌های آن‌ها برای آینده هرگز قابل قبول نیست. (هورویتز و همکاران ۲۰۱۹)

واگنر^۹ (۲۰۱۹) با استفاده از مطالعه طولی ملی سلامت نوجوانان تا بزرگ‌سالان، دریافت که نسل‌های جوان همزیستی مشترک (هم‌خانگی) را زمانی که برای ازدواج آماده نیستند یا به‌عنوان جایگزینی برای ازدواج به‌عنوان یک تعهد کمتر در نظر می‌گیرند. همچنین

31. Bulloch

2. Rapp and Stauder

3. Zella

4. Soulsby, and Bennett

5. Mastekaasa

6. Braithwaite and Holt-Lunstad

7. Lichter

8. Horowitz, Graf, Livingston

9. Wagner

زندگی مشترک برای سالمندانی که در مراحل بعدی زندگی باهم زندگی می‌کنند، در حال افزایش است؛ زیرا تعداد افراد بالای ۵۰ سال از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۶، ۷۵ درصد افزایش یافته است. (هورویتز و همکاران ۲۰۱۹)

طبق نتایج بررسی انجمن مددکاری علمی ایران، فقط ۱۰ درصد از ارتباطاتی که قبل از ازدواج در میان دختران و پسران شکل می‌گیرد، به ازدواج منجر می‌شود. در بررسی دیگری در سازمان ملی جوانان، ۵۵ درصد جوانان با جنس مخالف خود ارتباط دارند. در این بررسی ۷ هزار نفری از دختران و پسران مجرد ۱۵ تا ۲۹ ساله که به روش تصادفی انتخاب شده آمده است، ۳۰ درصد افراد نمونه فقط رابطه دوستی را انگیزه خود از برقراری رابطه دانسته‌اند و حدود ۳۴ درصد انتخاب همسر و ۱۴ درصد نیز رابطه جنسی را دلیل دوستی برشمردند. به عبارتی، ابراز محبت از جنس مخالف مهم‌ترین عامل مؤثر در ایجاد رابطه تلقی شده است.^۱ با توجه به توصیف و تبیین آمارهای موجود، زیست مجردی جوانان به عنوان یک فرم زیست اجتماعی، دست‌کم به صورت عینی، قابل بررسی و تحلیل است.

بحث ازدواج سفید در کشور ما با کشورهای دیگر متفاوت است؛ در کشورهای دیگر تغییرات فرهنگی و ارزشی باعث رواج این سبک از زندگی شده؛ ولی در کشور ما مسائلی که بر سر راه ازدواج است (زیست جهان سنت‌ها، فقر و نابرابری اجتماعی و...) افراد را به سمت ازدواج سفید سوق می‌دهد. (رمضانی فرو همکاران، ۱۳۹۷، ۲۱۳) بیشتر افرادی که به این شیوه زندگی روی آورده بودند، یا مهاجرین شاغل یا دانشجویان دارای زیست دانشجویی بودند.

در ایران علی‌رغم اظهارنظرها و مطالبی که در رسانه‌ها به چشم می‌خورد با سه پارادایم و یا با سه گفتمان مواجهیم که عبارت‌اند از:

۱) **گفتمان و یا پارادایم انکار؛** در این پارادایم، انکار «هم‌باشی» در اولویت قرار دارد. اینکه پدیده هم‌باشی اصلاً وجود خارجی ندارد و اگر هم وجود دارد باید به عنوان ضایعه برطرف شود؛

۲) **گفتمان و یا پارادایم واقعیت‌گرایانه؛** در این نگاه که نزد جامعه‌شناسان وجود دارد. پدیده هم‌باشی به عنوان یک واقعیت در جامعه در نظر گرفته می‌شود. جامعه‌شناسان و دیگر افرادی که این نوع نگاه را دارند، معتقدند آسیب‌های ناشی از هم‌باشی بیشتر نصیب دختران جامعه خواهد شد؛

۳) **گفتمان و یا پارادایم منفی؛** که کارکردهای منفی آن دیده می‌شود. این نگاه، نزد افراد با موضع سنتی و دینی بیشتر ملاحظه می‌شود. (نظری ۱۳۹۵)

اکنون این پرسش مطرح است که در بستر شرایط اجتماعی امروز، ادراک جوانان حاضر در پدیده هم‌باشی و همچنین انگیزه‌های آن‌ها برای انتخاب این سبک زندگی نوظهور مطالعه شود. هدف این تحقیق کیفی، پاسخ به این سؤال بوده که کنشگران در این روابط، چه معنایی برای کنش خود قائل‌اند و همچنین چه شرایط بسترساز اجتماعی، در بروز و ظهور این روابط نقش داشته است.

پیشینه تحقیق

شواهد به‌دست‌آمده از مطالعات داخلی نشان می‌دهند که دگرگونی‌هایی در زمینه روابط دوستانه (موحد و همکاران ۱۳۸۵؛ احمدنیا و مهریار ۱۳۸۳؛ عبداللهیان ۱۳۸۳) و رابطه جنسی پیش از ازدواج (نیازی و همکاران ۱۳۹۳؛ میرباقری ۱۳۸۱)، کاهش کنترل والدین، نیازهای جنسی و عاطفی، جهانی شدن، فردگرایی، کم‌رنگ شدن اعتقادات دینی (کریمیان ۱۳۹۴) در بین جوانان ایرانی در حال ساخت و نوزایی است.

جدول ۱/۱ مطالعات تجربی در خصوص عوامل و پیامدهای ازدواج سفید در ایران و سایر کشورها

نویسنده	موضوع	عوامل تعیین‌کننده
فره‌مند و همکاران (۱۳۹۹)	«بازاندیشی تعاملات جنسی را در رابطه با جهانی شدن فرهنگ در جوانان شهر یزد»	طبق نتایج به‌دست‌آمده، رابطه‌ای مستقیم و معنادار بین دو متغیر جهانی شدن فرهنگ و بازاندیشی تعاملات جنسی وجود دارد.
شعاع کاظمی و همکاران (۱۳۹۸)	«رابطه بین سبک زندگی و تأخیر سن ازدواج در دانشجویان»	نتایج حاکی از آن است که نقش متغیرهایی چون سبک زندگی، سطح تحصیلات، اشتغال، ترس از آینده و الگوپذیری و تأخیر افتادن سن ازدواج جوانان پررنگ است و همگی از عوامل زمینه‌ساز تأخیر در ازدواج هستند.
آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۹۰)	«هم‌خانگی پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران: سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران»	در این تحقیق، تغییرات اقتصادی، ناامنی شغلی، تغییرات فرهنگی و لیبرالیسم و فردگرایی ناشی از آن را به‌عنوان بسترهای مؤثر در پیدایش هم‌خانگی معرفی و ظهور اشکال جدید هم‌باشی را بر مبنای عوامل ساختاری نظیر تأخیر در ارضای نیازهای جنسی به دلیل بالا رفتن سن ازدواج، تغییرات نظام ارزشی و ساختار اقتصادی، احساس استقلال و رهایی از بند سنت‌های جامعه و عواملی از این دست تحلیل کرده است.

جدول ۱/۲ مطالعات تجربی در خصوص عوامل و پیامدهای ازدواج سفید در سایر کشورها

پیامدها	موضوع	نویسنده
داده‌ها نشان می‌دهد که باهم‌باشان اغلب از سوی خانواده‌ها، کلیساها، دوستان و همسایگان خود تحت فشار قرار می‌گیرند تا یا رابطه خود را به ازدواج تبدیل کنند یا به روابط پایان دهند. این روابط همچنین با خشونت شریک صمیمی و کیفیت روابط ضعیف مشخص می‌شود.	«زندگی مشترک و پیامدهای آن در غنا»	اوبنگ هینه ^۱ (۲۰۲۲)
همزیستی با تحصیلات پایین زنان نسبت به زنان متأهل کم‌سواد، سهم کمتری از منابع خانوار دریافت می‌کنند. علاوه بر این، مطابق با یافته‌های تجربی، فرزندان آن‌ها سرمایه انسانی کمتری را در مقایسه با آن‌ها انباشته می‌کنند.	«بررسی تأثیر تفاوت‌های نهادی بین ازدواج و زندگی مشترک غیرزناشویی بر تشکیل خانواده، رفاه فرد و سرمایه انسانی کودک»	کالو ^۲ (۲۰۲۲)
آنچه در سال‌های اخیر برای ازدواج در حوزه گسترده‌تر مشارکت‌های صمیمی اتفاق افتاده است، با تز نهادزدایی همخوانی دارد، اگرچه عمدتاً در میان افراد غیرتحصیل‌کرده دانشگاهی بیشتر است. در مقابل، ازدواج همچنان نقش محوری در زمینه مشارکت صمیمانه در میان تحصیل‌کردگان دانشگاهی دارد	«درجات تغییر: غیرنهادی شدن ازدواج»	شرلین ^۳ (۲۰۲۰)
در یک نظرسنجی ملی در خانواده‌ها (۱۹۷۱-۲۰۱۵) با (n = ۳۵۹۴) و بررسی ملی رشد خانواده (۱۹۵۶-۲۰۱۵) با (n = ۹۴۲۰) برای تخمین انتخاب ازدواج مستقیم و زندگی مشترک قبل از ازدواج و ازدواج‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت قبل از ازدواج مشترک تجزیه و تحلیل شده‌اند.	«زندگی مشترک قبل از ازدواج و ازدواج مستقیم در ایالات متحده»	کوپربرگ ^۴ (۲۰۱۹)
هم‌خانه‌هایی که برنامه‌های ازدواج ندارند، پایین‌ترین کیفیت زناشویی را گزارش می‌کنند. متأهلانی که قبل از ازدواج باهم زندگی می‌کردند و افرادی که قصد ازدواج داشتند. این دو گروه از نظر کیفیت رابطه باهم تفاوتی نداشتند.	«کیفیت رابطه بین زوج‌های متأهل در مقابل زندگی مشترک»	براون ^۵ (۲۰۱۷)

1. Obeng-hinne & kpoo

2. Calvo

3. Cherlin

4. Kuperberg

5. Brown

نویسنده	موضوع	پیامدها
براون و همکاران (۲۰۰۶)	«نقش و پیامد هم‌خانگی پیش از ازدواج بر زندگی جوانان متأهل ساکن لویزوانا»	هم‌خانگی پیامدهای زیان‌آوری مانند کاهش کیفیت زندگی، بی‌ثباتی و طلاق در پی داشته است. طبق یافته‌های براون، به نظر می‌رسد که نقش زندگی مشترک در دوره زندگی خانوادگی در حال تغییر است.
ایشیزوکا ^۱ (۲۰۱۸)	«مبانی اقتصادی انتقالات اتحاد زوجین باهم»	نتایج حاصل از تئوری نوار ازدواج حمایت می‌کند: تعدیل درآمد مطلق زوج‌ها، افزایش ثروت و درآمد زوج‌ها نسبت به استاندارد مرتبط با ازدواج، ازدواج را قویاً پیش‌بینی می‌کند.
منینگ و ایک مایر ^۲ (۲۰۱۷)	«تحلیل بیست و پنج سال تغییر در زندگی مشترک در ایالات متحده»	تعداد روابط زندگی مشترک که در حال گذار به ازدواج هستند، کاهش یافته است، و فقط یک سوم از هم‌گروهی‌ها اخیراً به ازدواج تبدیل شده‌اند.
کولا و بویل ^۳ (۲۰۱۰)	«رابطه جنسی پیش از ازدواج و طلاق»	احتمال، جدایی بیشتر در بین ازدواج‌کنندگان که سابقه ازدواج سفید داشتند بیشتر و تعاملات اجتماعی در بین کسانی که ازدواج سفید داشتند نسبت به ازدواج‌کنندگان رسمی، کمتر است.

یکی از جنبه‌های مثبت این پژوهش نسبت به پژوهش‌های مطرح‌شده، این است که بررسی ابعاد گوناگون اجتماعی و فرهنگی ازدواج سفید به‌ویژه با تأکید بر تجربه زیسته زنان، ضروری به نظر می‌رسد؛ بنابراین ضرورت، مقاله حاضر به قصد تحلیل عمقی و موشکافانه این پدیده و بررسی لایه‌های گوناگون آن به تجربه زیسته زنانی می‌پردازد. به همین جهت، روش کیفی و آن‌هم از نوع پدیدارشناسی انتخاب شده است تا بتوان به زوایای پنهان موضوع پرداخت. به این جهت، می‌توان موضوع و روش برگزیده‌شده برای این پژوهش را بکر و بدیع دانست. در این مطالعه سعی می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود که تجربیات، برداشت‌ها و احساسات زنان از ازدواج سفید چیست؟

ملاحظات مفهومی

پژوهش حاضر به جهت استفاده از روش کیفی، به جای استفاده از مبانی نظری جهت تدوین و آزمون فرضیات، از چارچوب مفهومی جهت استخراج سؤالات تحقیق

1. Ishizuka

2. Eickmeyer & Manni

3. Cola and Boyle

استفاده شده است. در این موقعیت، نظریه‌ها در فرایند تحقیق و تحلیل داده‌ها برای ایجاد حساسیت نظری. مفهومی و باز کردن ذهن محقق نسبت به مسائل و مقوله‌های مورد پژوهش، نقشی راهنما را دارند. نظریه‌ها به عنوان چارچوب مفهومی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

از منظر جامعه‌شناختی، دو پارادایم اصلی پوزیتیویستی و برساخت‌گرایی وجود دارد که دیدگاه پوزیتیویستی برخلاف دیدگاه برساخت‌گرایی، کج رفتاری را مطلق و عینی تعریف می‌کند؛ اما برساخت‌گرایان پدیده‌ها را ذهنی و نسبی می‌دانند و معتقدند که کج روی تنها یک برساخت اجتماعی است.

آنتونی گیدنز در ارتباط با روابط دنیای مدرن، این نکته را مطرح می‌کند که روابط خانوادگی، دیگر حامیان پیوندهای اجتماعی بسیار سازمان یافته در پهنه زمانی. مکانی به شمار نمی‌آید. ویژگی متمایزکننده دنیای مدرن را با سنتی، پیدایش رابطه‌های ناب می‌داند. ویژگی این نوع رابطه‌ها این است که در آن، رابطه‌های دوستانه و شخصی با دیگران به گونه‌ای پدید می‌آید که این رابطه‌ها خارج از آداب و اصول سنتی، انتخاب‌هایی را برای برقراری ارتباط‌های دوستانه و شخصی با دیگران فراهم می‌کند.

در مطالعه حاضر، از نظریه اشاعه و مفهوم غیرنهادی شدن ازدواج استفاده می‌کنیم تا بررسی کنیم که آیا زوج‌های دارای زندگی مشترک (ازدواج سفید) و متأهل (ازدواج رسمی) از سطوح قابل مقایسه‌ای از کیفیت روابط برخوردار هستند یا خیر. در این رویکرد، تنوع را در بین متأهل‌ها و غیرمتأهل‌ها به طور هم‌زمان در نظر می‌گیریم:

(الف) افرادی که مستقیماً ازدواج کرده‌اند؛ (ب) افرادی که قبل از ازدواج باهم زندگی می‌کنند؛ (ج) افرادی که قصد ازدواج دارند و (د) افرادی که هیچ برنامه ازدواجی ندارند. خطوط بین این دو نوع اتحاد، امروزه احتمالاً مبهم‌تر است. بیش از اکثر ازدواج‌ها، زندگی مشترک صورت می‌گیرد، حتی اگر ازدواج‌های مشترک کمتری نسبت به گذشته انجام شود. (مانینگ و استایکس^۱ ۲۰۱۵)

با محبوبیت فزاینده زندگی مشترک قبل از ازدواج و انتخاب فزاینده داشتن برنامه‌های ازدواج در میان زوجین (وسپا ۲۰۱۴)، کسانی که قبل از ازدواج باهم زندگی می‌کردند، باید کیفیت روابط مشابهی با افراد دارای برنامه ازدواج داشته باشند. کسانی که مستقیماً ازدواج کرده‌اند، گروهی بسیار منتخب هستند؛ بنابراین ممکن است کیفیت رابطه آن‌ها

به طور قابل توجهی بالاتر از ازدواج‌هایی که قبل از ازدواج باهم زندگی کرده‌اند (جیمز و بیتی^۱ ۲۰۱۲) یا هم‌خانه‌های فعلی (بدون توجه به برنامه‌های ازدواج) گزارش کنند. مطابق با نظریه اشاعه، پیش‌بینی می‌شود که هم‌خانه‌هایی که برنامه‌ای برای ازدواج ندارند، کیفیت رابطه‌شان را به طور متوسط، از هم‌خانه‌هایی با برنامه‌های ازدواج و هر دوی آن‌ها پایین‌تر توصیف می‌کنند.

انواع زوج‌های متأهل دارای زندگی مشترک بدون برنامه ازدواج نسبت به زندگی مشترک با برنامه ازدواج، کمتر پایبند به قواعد هنجاری هستند؛ بنابراین گروه قبلی از حمایت کمتری برخوردار بوده و احتمالاً کیفیت روابط ضعیف‌تری را تجربه می‌کنند. (لیفبرویر و دورلیجن^۲ ۲۰۰۶)

به نوعی سه پیامد اصلی عشق رمانتیک عبارت‌اند از: معرفی خانه به مثابه واحدی جغرافیایی برای تمرکز کنش متقابل صمیمانه؛ دگرپرسی در روابط میان مادر، پدر و کودک و در نتیجه، پیدایش دوران کودکی و صورت‌بندی و آرمانی شدن رفتار و سواس‌آمیز مادرانه. در هم‌خانگی، عشق رمانتیک و نه الزام‌های اجتماعی دوران سنتی، طرفین را به سوی یکدیگر جذب می‌کند.

در این شکل از رابطه، قواعد بیرونی، الزامی برای متعهد ماندن ایجاد نمی‌کنند و زوجین به یکدیگر تعهد درونی دارند. همچنین در این سبک زندگی، طول مدت رابطه از پیش تضمین شده نیست و رابطه تا هنگامی که مطلوبیت داشته باشد، ادامه می‌یابد و تضمینی برای زیستن در کنار یکدیگر در آینده به صورت از پیش تعیین شده و رسمی وجود ندارد؛ بنابراین می‌توان هم‌خانگی را به عنوان پیامد گذار جامعه ایران از دوران سنتی به دوران مدرن تعریف نمود که در این گذار، روابط عاشقانه رمانتیک با مطابقت ارزش‌های مدرن فردگرایی، استقلال فردی و گزینش آزادانه رواج می‌یابد. (گی لچین و صفری، ۱۳۹۶، ۲۹-۳۶)

به عقیده ژان بودریار،^۳ «همه چیز سیاسی است، همه چیز سکسوالیته است»، با زندگی در دنیای اروتیک و یافتن نشانه‌های جنسی نمی‌توان با قطعیت از دور ساختن کودکان و نوجوانان از این نشانه‌ها صحبت شود، چه بسا کودکان حتی در تغییرات بدنی‌شان و در مقایسه بدن خود با جنس دیگر یا بزرگسالان، در رابطه با نحوه پیدایش

1. James & Bettie

2. Liefbroer & Dourleij

3. Baudrillard

و تولدشان و امثال آن وارد مباحث دنیای سکسوالیته می شوند و این گونه نیست که ادعا کنیم می توانیم از پیدایش این کنجکاوی ها جلوگیری کنیم. کودک با پیدایش نشانه های بلوغ بیش از پیش درگیر سؤالات ذهنی و کشف این دنیای پیچیده می شود.^۱

روش تحقیق

پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی انجام شده است. این پارادایم بر ماهیت زمینه ای کیفی تأکید دارد. یافته های تحقیق، از طریق ساخت و ساز بین شرکت کننده و محقق ایجاد می گردد. به طور خاص تر برای تحقیق پدیدارشناختی، از محقق خواسته می شود تا افق های اهمیت، تجسم و موجودیت در جهان را مورد تأمل قرار دهد. این پژوهش نیز مبتنی بر پدیدارشناسی تأویلی تلاش دارد تا تجارب زیسته مشارکت کنندگان را از ازدواج سفید بررسی کند. جامعه پژوهش حاضر جوانانی هستند که محل جغرافیایی زندگی آن ها در شیراز است. مشارکت کنندگان در این مطالعه براساس نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. مشارکت کنندگان کلیه افرادی هستند که تجربه و آشنایی با زندگی ازدواج سفید را داشته اند. از آنجا که جمعیت مورد مطالعه، پنهان می باشند و شناسایی آنان به راحتی امکان پذیر نیست، جهت یافتن افراد، از تکنیک نمونه گیری گلوله برفی بهره گرفته شد. نمونه گیری گلوله برفی یک تکنیک نمونه گیری هدفمند است که مستلزم استفاده مشارکت کنندگان اولیه برای شناسایی موارد اضافی است که ممکن است به تدریج در مطالعه به کار روند. (محمدپور، ۱۳۹۲، ۲۲) به این صورت که بعد از یافتن چند نمونه اول از طریق دوستان و آشنایان، همان نمونه ها پس از مصاحبه و فرآیند جلب اعتماد، رابط و واسطی برای آشنایی و مصاحبه با نفرات بعدی شدند.

درنهایت، با استفاده از معیار اشباع نظری درباره تعداد افراد نمونه، تصمیم گیری شد. نمونه گیری نظری تا زمان اشباع نظری ادامه یافت؛ بنابراین در این پژوهش مصاحبه با ۱۴ نفر از افرادی که تجربه زیسته این نوع زندگی و یا آشنایی داشته اند، به اشباع نظری رسیده و مصاحبه متوقف گردید. پژوهش حاضر با ابزار مصاحبه عمیق جمع آوری شده است. برای تحلیل پدیدارشناختی داده ها از تحلیل تماتیک به عنوان روشی مناسب برای کسب ساختار معنا در مجموعه ای از داده ها استفاده شد که بر روی تجربه ذهنی افراد تأکید دارد. این روش بسیار مناسب برای کسب ساختار معنا در مجموعه ای از داده ها

است که بر روی تجربه ذهنی انسان‌ها تأکید می‌کند. در این رویکرد، تأکید بر ادراک مشارکت‌کنندگان، احساسات و تجربیات آن‌ها از موضوع مورد مطالعه است. نمونه‌ای از نحوه کدگذاری و تشکیل طبقات در جدول شماره ۳ بیان شده است.

یافته‌ها

طی مصاحبه‌های انجام شده، مشخص گردید که پاسخگویان مورد بررسی، در رده سنی ۲۳ تا ۳۰ سال بوده و اکثراً دارای تحصیلات لیسانس هستند. در این راستا، بسیاری از پاسخگویان بیان داشتند به دلیل نداشتن شرایط مالی مناسب، آمادگی نداشتن، موقعیت کاری و تحصیلی، امکان ازدواج برای آنان فراهم نبوده و ترجیح می‌دهند در جهت رفع نیازهایشان یک رابطه، غیررسمی و پنهانی را آغاز کنند.

جدول ۲ مشخصات مشارکت‌کنندگان

کد	جنسیت	سن	میزان تحصیلات	شغل	مدت رابطه	سابقه رابطه پیشین
۱	زن	۲۳	کارشناسی	بیکار	۵ سال	طلاق
۲	زن	۲۳	کارشناسی	بیکار	۱ سال	رابطه محدود عاطفی
۳	مرد	۲۶	کارشناسی	آزاد	نامشخص	رابطه عاطفی
۴	زن	۲۵	کارشناسی	آزاد	۳ ماه	بدون رابطه خاص
۵	زن	۲۴	کاردانی	آزاد	۱۸ ماه	طلاق
۶	زن	۲۸	کاردانی	آزاد	نامشخص	رابطه عاطفی
۷	مرد	۲۷	دیپلم	آزاد	۳ سال	رابطه جنسی و عاطفی
۸	مرد	۳۰	کارشناسی	کارمند	۵ سال	طلاق
۹	زن	۲۲	کاردانی	محصل	۱ ماه	رابطه عاطفی
۱۰	مرد	۲۵	کارشناسی	آزاد	نامشخص	رابطه جنسی و عاطفی
۱۱	زن	۲۷	کاردانی	بیکار	۲ سال	طلاق
۱۲	زن	۲۳	دیپلم	بیکار	چند ماه	رابطه عاطفی
۱۳	زن	۲۸	کارشناسی	کارمند	۴ سال	طلاق
۱۴	زن	۲۵	کاردانی	بیکار	چند هفته	رابطه عاطفی

در توصیف پدیده هم خانگی بر اساس گفته های مشارکت کنندگان، عینیت محسوس پدیده را کنار گذاشته و از مشارکت کنندگان خواسته شد بر اساس تجربیاتشان، از تجربه زندگی مجردی و ذهنیات فردی اظهارات خود را بیان نمایند.

جدول ۳ مقولات اصلی و فرعی استخراج شده از تجربه زیسته مشارکت کنندگان

مضمون های اصلی	مضمون های فرعی
شرایط کژقواره و بی رغبتی به ازدواج دائم	تورم، گرانی، مشکلات جامعه، شرایط کژقواره، تنوع طلبی، تجربه روابط مختلف، نداشتن اعصاب خردی، زندگی در یک دوره مشخص، عدم اعتقاد به ازدواج رسمی، رابطه آزاد بدون ترس و دغدغه، متأهلی مساوی حذف آزادی، ترس از پیر شدن، بیکاری، فقر، بحران اقتصادی، عدم اطمینان، نپذیرفتن سلطه مردان، ترس از مسائل زناشویی
دوگانگی احساس	کمبودهای عاطفی، نیاز عاطفی، جبران کمبودهای عشقی، رنجش از مسائل خانوادگی، هیجان داشتن، شبیه هم بودن، علائق و ویژگی های شخصی، آزادی های جنسی، روشنفکر بودن، فرار از انگ ناشی از طلاق، آجر رو آجر چیدن بدون نقشه، واکنش به نهاد و ساخت سنتی ازدواج، زندگی کمتر بر عشق، جبران خلاءها، پنهان کاری و دروغ
نداشتن مهارت های زندگی و ازدواج آزمایی	محک زدن طرف مقابل، راضی نبودن از موقعیت کنونی، شناخت قبل از ازدواج، شناخت همسر، عدم توانایی تشکیل خانواده، حذف تعهدات اجتماعی- اقتصادی
جذابیت یا نیاز جنسی	نیاز جنسی، شیک بودن رابطه، بهتر بودن از روابط هرز، رفع نیاز، مهم بودن زیبایی ظاهری، دلبستگی به ظواهر، پول، موقعیت و اندام، چشم و هم چشمی، تخلیه احساسات، ارضای غیراخلاقی جنسی، خوداظهاری
زیست مجردی شهروندان حاشیه ای	خانه خالی داشتن، هم خانگی و توافق، هم خانه شدن برای کاهش هزینه ها، اشتغال در مناطق دیگر، دوری از خانواده، زیست دانشجویی
دور زدن قانون خانواده	سخت گیری خانواده، زیر نظر بودن، زورگویی، اجبار والدین، خسته شدن، آزادانه زندگی کردن، رنجش از مسائل خانوادگی، فشار خانواده، عدم حمایت مالی، درک نکردن فرزندان، تعریف نادرست خانواده از ازدواج، سنتی بودن ازدواج ها، نامتوازن بودن قانون خانواده با شرایط اجتماعی زنان، دست زدن به پریز برق (زن گرفتن)

تردیده‌ها و نگرانی‌های قبل ازدواج	ثابت نشدن این رابطه، کات کرن بدون واهمه، بالا رفتن آمار طلاق، دیدن شکست دیگران، الگوی نامناسب داشتن، ترس از ازدواج رسمی، ترس از جدا شدن، ترس از شکست، ترس از دست دادن، سونامی طلاق، ناهمخوانی اخلاقی و رفتاری
واسازی ارزشی و هویت مخدوش	علاقه به رابطه، دوست دختر داشتن، کم‌رنگ شدن اعتقادات، ضعف باورهای مذهبی، ورود ارزش‌های غربی، بحران معنا، حرمت‌زدایی از جامعه، کم‌رنگ شدن ارزش‌های دینی، نظام فرهنگی ناهماهنگ، بحران مردانگی، دل بستن به ظواهر، عدم توجه به باطن مسئله
آلوده‌انگاری عشق	از هیچ چیز بهتر بودن، عدم پایداری علائق، لذت جنسی، خسته شدن مردها، ضربه خوردن از علاقه، قابلیت جابه‌جا شدن با دیگری، ترک بدون استرس، احساسات و واکنش فیزیکی، جابجایی عشق با لذت، تکوین هویت مردانه، آشفتگی‌های ذهنی، خودشیفتگی، تخلیه انرژی، تکه‌تکه شدن هویت، وابسته شدن زن، خیانت جنسی زوجین، تعریف نادرست از عشق، عدم فهم عشق حقیقی، کالایی شدن عشق
مواجهه با دیگری و تجربه بازاندیشانه	دوری از خانواده، استقلال‌طلبی، پرکردن نهایی، عدم بازخواست شدن توسط والدین، وقت‌گذرانی و تفریح، سرگرمی، آزادی جنسی، حق تصمیم‌گیری داشتن، تعریف مشترک از تعهد
تربیت غیرمسئولانه والدین	تربیت نادرست، آزادی بیش از حد، درک نکردن فرزندان، عدم توجه به خواسته‌های غیرمادی، لوس بار آمدن، فروپاشی خانواده، ضعف پیوندهای خانوادگی، نبود اخلاقیات در خانواده، نامناسب بودن روابط عاطفی در خانواده، بدسرپرست بودن
جایگزینی کنشگری حسابگرانه با تقدیرگرایانه	ماه‌دار بودن، شغل آفازاده‌ها، به رخ کشیدن پول، ساپورت مالی، شوگرمایی بودن، پولدار بودن، راه کسب درآمد، عدم مسئولیت حقوقی، نگاه کالایی به ازدواج

تقریباً تمامی مشارکت‌کنندگان در این پژوهش اعم از زنان و مردان، به فرایندهایی اشاره کردند که سبب‌ساز و مهیاکننده ازدواج سفید بین آن‌ها بوده است که شامل شرایط کثرفواره و بی‌رغبتی به ازدواج دائم، درمان دوگانگی احساس، نداشتن مهارت‌های زندگی، جذابیت و نیاز جنسی، زیست مجردی، دور زدن قانون خانواده، واسازی ارزشی، جایگزینی کنشگری حسابگرانه به جای تقدیرگرایانه، مواجهه با دیگری و تجربه بازاندیشانه است که هریک از این عوامل شامل کدهای مرتبط با مقوله خاص خود به شرح ذیل هستند:

الف) بی رغبتی به ازدواج دائم

تغییر نگرش‌های فرهنگی در مورد ازدواج منجر به تنوع طلب شدن جوانان و فراموش نمودن تعهد و مسئولیت پذیری شده است و اگر هم آموخته باشند، رغبتی به مسئولیت پذیری ندارند. به عبارتی، نداشتن اعتماد بین دخترها و پسرها، پررنگ شدن ترس از ازدواج توسط خانواده‌ها و رسانه‌ها، ایجاد فوبیای ازدواج، و پررنگ شدن طلاق توسط رسانه‌ها و نگاه منفی به ازدواج را می‌توان از دیگر موانع عدم تمایل جوانان به ازدواج دانست.

«قبل از اینکه وارد این رابطه (ازدواج سفید) بشم، خودم را خیلی روشنفکر می‌دانستم و اعتقادم این بود چرا باید به کسی که زیاد از او شناختی نداری و تجربه زندگی با او را نداری باید ازدواج کنی؟ رابطه‌ای که درنهایت، ممکن است با شکست روبه‌رو شود و از طرف مقابلهت جدا شوی. خوب می‌توانی در دوره‌ای با همدیگر زندگی کنی و بعد از اینکه از علایق او ویژگی‌های شخصیتی و... آگاهی پیدا کردی و مطمئن شدی تو را دوست دارد ازدواج کنی. این صحبت خواننده معروف کلمبیایی که می‌گفت؛ من می‌خوام دوست دختر باقی بمانم تا برای همیشه ترس از دست دادن من را داشته باشد با اینکه این زوج ده سال است که باهم رابطه دارند و صاحب دو فرزند هستند.» کد (۶) شرکت‌کننده دیگری (کد ۹) این‌گونه بیان می‌کند: «تورم و گرانی باعث می‌شود که جوانان توانایی تشکیل زندگی را نداشته باشند و به این سمت کشیده شوند.» (کد ۹)

ب) دوگانگی^{۱۱} احساس

وجود یک لحظه در ذهن یک فرد دارای دو ایده قطبی، عواطف، خواسته‌ها است. اختلال هویت گسستی یک وضعیت دشوار است که در آن دویا چند هویت یا شخصیت متمایز، در فرد حضور دارند؛ و به‌طور متناوب کنترل او را در دست می‌گیرند. برخی افراد این موضوع را به‌صورت تجربه‌ای از تحت مالکیت بودن توصیف می‌کنند. فرد در چنین وضعیتی از دست دادن حافظه را نیز تجربه می‌کند که به قدری گسترده است که نمی‌توان با فراموشی معمولی آن را توضیح داد.

«این رفتار صرفاً از روی علاقه صورت می‌گیرد زندگی مشترک طرفین و انجام عمل جنسی و... این عمل برای برخی، عملی برای پر کردن خلأهای روحی و یا جنسی خود می‌باشد.» (کد ۱۳)

^{۱۱}. Bleuler

«بدون ترس و دلهره و نیاز داشتن به قانون خاصی برای رفع نیازهام روش حساب می‌کنم جایگزین مناسبی برای ازدواجه طوری که هر موقع حس کردی نمی‌تونی باهاش کنار بیای راحت تر ازش جدا میشی و نیاز به بازخواست نیست.

هر کس در زندگی حق انتخاب دارد و من این نوع رابطه رو الگوی مناسبی برای انتخاب همسر می‌دانم؛ چون به شناخت کامل نسبت به طرف مقابل می‌رسم و در آینده اگر ازدوایمان رسمی شود، امکان کمتری داره که به مشکل بربخوریم.» (کد ۱۴)

ج) نداشتن مهارت‌های زندگی و ازدواج آزمایشی

مهارت‌های زندگی، مهارت‌هایی هستند که برای افزایش توانایی‌های روانی-اجتماعی افراد آموزش داده می‌شوند و فرد را قادر می‌سازند که به‌طور مؤثر با مقتضیات و کشمکش‌های زندگی روبه‌رو شود. طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۶)، مهارت‌های زندگی یعنی ایجاد روابط بین فردی مناسب و مؤثر، انجام مسئولیت‌های اجتماعی، تصمیم‌گیری‌های صحیح، حل تعارض‌ها و کشمکش‌ها بدون توسل به اعمالی که به خود یا دیگران صدمه می‌زنند. طبق تفاسیر مشارکت‌کنندگان، مهم‌ترین معضل این قشر، آمادگی لازم برای ورود به زندگی هم از سوی زوجین و هم از جانب خانواده‌هاست؛ به‌نوعی ترس از تغییر رفتار شریک عاطفی و جنسی پس از ازدواج باعث می‌شود که افراد بیشتر با هدف شناخت و آشنایی پیش از ازدواج با یکدیگر هم‌خانه شوند.

«ذهنیتی که امروزه شکل گرفته ترکیبی از عدم آگاهی کامل خانواده‌هاست که منجر به لجاجت و پافشاری بر یک مقوله و نپذیرفتن آن از سوی فرزندان می‌شود که این اتفاق در خانواده‌ها به دلیل مشاوره نگرفتن است و از طرفی ناآگاهی منجر به ازهم‌پاشیدگی آن می‌شود. در این راستا، ضروری است تاجوانان به این باور برسند که مسیر زندگی را با همسرگزینی شروع کنند و ادامه دهند و مباحث مادی و فرهنگی پیش‌پاافتاده را مد نظر قرار ندهند.» (کد ۱۱) شرکت‌کننده دیگر (کد ۱۲) تجربه خود را این‌گونه بیان می‌کند: «من به خاطر اینکه بتونم همسر رو بهتر بشناسم وارد رابطه شدم؛ چون باور داشتم تا زمانی که زیر یک سقف نیروی نمی‌تونی طرف مقابلت رو بشناسی؛ چون فکر می‌کردم مردا اینطوری بیشتر ترس از دست دادن رو دارند. البته تجربه زندگی متفاوت و هیجان از دلایل انتخاب من بود.» (کد ۱۲)

د) جذابیت یا نیاز جنسی

جذابیت جنسی فرد تا حد زیادی وابسته به یک معیار ذهنی است که به علاقه، ادراک و گرایش جنسی وابسته است. به نوعی جذابیت می تواند ویژگی های فیزیکی یا دیگر ویژگی ها یا صفات فرد را در برگیرد. طبق تفاسیر مشارکت کنندگان، علاقه جنسی افراد در روابط آزاد، فقط مربوط به اندام است؛ به همین جهت، این رابطه در سطح باقی می ماند.

«الآن رابطه جوونا فقط ۲ مدله، یا طرف رو واسه ازدواج می خواد یا سکس که بستگی به سن و سال هم هست، تا ۲۵/۲۴ سالگی بیشتر دنبال سکس همه حتی خودم، ولی از این سن که بگذری دیگه فقط ملاک هاته که واست مهم میشه، خوشگلیش، وقارش، خانوادش، اخلاقش و... مثل ازدواج میشه با این تفاوت که مسئولیتش خیلی کمتره و تا خسته بشن یا تکراری، جاشونو با یکی دیگه عوض می کنن، شک نکن. یکی از تهران چند سال پیش مخشوزده بودم یهو از دهنش در رفت گفت منم ازدواج سفید کردم، منم گیر دادم بهش که سیر تا پیازشو بگو، بنده خدا گفت ی چیزایی رو، مهم ترینش این بود که گفتم خانوادت مشکلی ندارن، سکس و...؟ خیلی راحت گفت: نه اولش میرن زیر یه سقف اگر باهم ساختن که باهم میمونن، اگر نه بلافاصله بدون هیچ مهریه و اعصاب خردی خودشون میرن با یکی دیگه.» (کد ۹) شرکت کننده (کد ۷) این گونه روایت می کند: «آشنا میشن بعد از یه مدت نقل مکان می کنن خونه همدیگه، تا وقتی سکسشون براهه و میگن و می خندن زندگیشون عالییه، بلافاصله که اعصاب خوردی واسشون پیش بیاد یا خیانت، بدون هیچ حرف اضافه ای کات بای.»

ه) زیست مجردی شهروند حاشیه ای

خانه مجردی، زیست تنهای یک فرد است، بدون اینکه برای آن، نقطه پایانی تعریف کند. درواقع، تک زیستی و زندگی مجردی، افقی غیر از زندگی در تنهایی ندارد و فرد حالت منتظر نخواهد داشت؛ یعنی نمی گوید دو سال سربازی است و تمام می شود، یا چهار سال دانشگاه است و تمام می شود، یا سه سال کار در غیر از شهر خودش است و تمام می شود. درواقع، مجردزیست کسی است که بدون داشتن افقی روشن، تنها زندگی می کند. به نوعی مجردزیستی امری است مدرن و ثمره تغییر نظام ارزش ها و در عین حال، ناسازگار با فرهنگ و جامعه ما؛ اما معنایش این نیست که این ناسازگاری ادامه پیدا

می‌کند؛ یعنی ما در عین حال که این پدیده را وارداتی و به اصطلاح میهمان می‌دانیم؛ اما میهمانی است که در یک چرخش به میزبان تبدیل می‌شود. (کرمی، ۱۴۰۰)^۲

«پولداریشونو از این راه به رخ می‌کشن و هر شب با یکی بودنشون، همون حکم خونه خالی رو داره؛ ولی خیلی شیک‌تر، به حدی که با دوستاتون رفت‌وآمد پیدا می‌کنید و بد نیست، ولی اگر در کنار تمام خوبیش بدیشو هم در نظر می‌گرفتن خیلی بیشتر و بهتر این رابطه پیشرفت پیدا می‌کرد، نه باهاش موافقم؛ ولی پولشو ندارم راستش.» (کد ۴) شرکت‌کننده دیگری (کد ۱۴) می‌گوید: «دوری از خانواده (هم عنوان مستقل شدن، هم واسه خونه خالیش)، بعضیا واسه پر کردن تنهایی‌هاشون، که این بازم برمی‌گرده به مقدار پولی که آدم داره.»

و) دور زدن قانون خانواده

دگرگونی‌های سریع در جوامع و ورود آن به ساختار اجتماعی و فرهنگی ما موجبات به هم ریختگی نظام ارزشی را فراهم می‌آورد؛ دو پاره شدن جامعه به نوعی به بحران هویت فرهنگی و اجتماعی می‌انجامد. دخترانی هستند که نمی‌توانند درگیری‌های بین فردی و مسایل خانوادگی خود را حل کنند و خشم زیادی را از طرف یک یا چند تن از اعضای خانواده حس می‌کنند و به همین علت محیط خانواده را ترک می‌کنند؛ درحالی‌که دسته دوم جوینده‌های خوشی هستند و به طرف افراد یا مکان‌هایی فرار می‌کنند که امکانات لازم برای انجام فعالیت ممنوع در خانه را برای آنها فراهم می‌کنند. در چنین حالتی که دختران به واسطه مشکلات متعدد خانوادگی به وسیله اعضای بزرگ‌تر خانواده دچار آزاردیدگی می‌شوند، سعی می‌کنند در یک فرایند کاملاً تدافعی محیط خانه را ترک کنند.^۳

طبق تفاسیر مشارکت‌کنندگان نرخ بالای آزارهای جسمانی، جنسی، عاطفی و بی‌توجهی و طرد خانواده، فرار را به عنوان راه حلی برای پایان بخشیدن به این اغتشاش و ناآرامی برای نوجوانان مطرح می‌کند. در برخی موارد، دختران به واسطه یک رشته آرزوهای دوردست، کسب شهرت، درآمد و موقعیت جدید و کامیابی عشقی که در چارچوب خانواده به راحتی امکان‌پذیر نیست، پای به فضای فراخ‌تر خارج از خانه می‌گذارند و

۱. توجه به موضوع زندگی در خانه‌های مجردی و افزایش میل به تجرد از سوی جوانان، اولین بار در سال ۸۷ با صحبت‌های مجید امیدی، مدیر وقت حوزه فرهنگی اجتماعی سازمان ملی جوانان و ارائه آمار افزایش ۲۷ درصدی خانه مجردی در کشور آغاز شد. این خبر همان زمان واکنش‌های بسیاری را میان مسئولان برانگیخت؛ ولی پس از مدتی مسکوت ماند. همچنین بر مبنای گزارش سال ۸۹ سازمان ملی جوانان که حالا به وزارت ورزش و جوانان تبدیل شده است، ۲۰ درصد از جوانان شش کلان شهر تهران، مشهد، شیراز، اصفهان، تبریز و اهواز، زندگی مجردی دارند که آسیب‌های زیادی را بر فرد و جامعه تحمیل می‌کند.

2. www.isna.ir/news/91082717089

3. www.isna.ir/news/91082717089

برای دستیابی به آرزوهای دوردست راهی کاملاً پرخطر را انتخاب می‌کنند.

«داخل ایران با اون عقاید سفت و محکمی که داریم، نه؛ ولی همونطور که همه با خوب و بد و زشتیاش دارن کنار میان، پس تا چند سال آینده حتماً واسشون بتش می‌شکنه و باهاش کنار میان، یا بهتر بگم چون جوونا پولشون نمیرسه و نمیتونن ازدواج کنن همون بهتره که از این راه فعلاً جلو برن، از هیچی که بهتره، نیست؟» (کد ۸)

ز) تردیدها و نگرانی‌های قبل ازدواج

دردسرهای ناشی از طلاق افزایش میزان طلاق در جامعه و دردسرهایی که مراحل قانونی طلاق برای زوجین ایجاد می‌کند، باعث شده که بسیاری از افراد نوعی از زندگی مشترک را شروع کنند که چنانچه زمانی نخواستند ادامه دهند، به راحتی و بدون دردسر از هم جدا شوند.

ارضای نیازهای جنسی یکی از نیازهایی است که در زندگی افراد وجود دارد و میزان و نوع برآورده شدن این نیاز در بین افراد مختلف متفاوت است. با توجه به تغییراتی که در طی فرآیند گذار سنت به مدرنیته در جامعه ایجاد می‌شود و میزان ارتباط با فرهنگ‌های بیگانه، افراد خود را پایبند آداب و رسوم و اعتقادات دینی و مذهبی نمی‌دانند؛ بنابراین ارضای نیازهای جنسی عاطفی، دیگر به سبک سنتی و رسمی نبوده و چنانچه شرایط مهیا باشد، از هر شیوه‌ای استفاده می‌کنند.

«ازدواج سفید به معنای ازدواج و تشکیل خانواده نیست، بلکه یک نوع هم‌خانگی و توافقی است که نه مسئولیت اجتماعی را به همراه دارد و نه مسئولیت حقوقی. از لحاظ جنسی آزاد هستی؛ اما برای هتل رفتن یا مزایایی که برای متأهل‌ها وجود دارد، در این رابطه نیست یا در مناسبت‌های خانوادگی نمیشه شرکت کرد. خوبی این رابطه اینه که آدم هر وقت بخواد می‌تونه جدا بشه مثلاً اگر ببینه که باهم سازگار نیستند، بدون مراحل قانونی و سختی‌های طلاق از هم جدا می‌شوند.» (کد ۱۳)

ح) واسازی ارزشی و هویت مخدوش

در گذر از جوامع سنتی به مدرن و متعاقباً گسترش ارتباطات جمعی، دسترسی افراد به منابع هویت‌ساز متنوع تسهیل گشته است. این امر گاهی تصور هویتی اشخاص را مخدوش کرده و امکان گرایش به هویت‌های جایگزین را فراهم می‌کند. (دیریان تهرانی و همکاران، ۱۳۹۲، ۴۷) به نظر می‌رسد که تضعیف بنیان‌های فلسفی ازدواج در غرب،

منجر به تغییر نگرش‌ها نسبت به مفهوم خانواده، ازدواج و افزایش تنوع روابط‌های خارج از عرف شده و می‌تواند زمینه‌های شکل‌گیری باهم بودگی را ایجاد کند. خنثی بودن و بی‌تفاوتی نسبت به ارزش‌های اخلاقی طبق تفاسیر مشارکت‌کنندگان می‌تواند نوعی از هویت بیگانه را ایجاد نماید که می‌تواند در جوانان منجر به درگیری ذهنی ناشی «ترس از تعهد و سرسپردگی» در زندگی شود و باعث شود افراد به طی کردن مابقی عمر خود، تنها با یک آقا و خانم تمایلی نداشته باشند.

«من فکر می‌کنم شرایط جامعه اینو اقتضا می‌کنه که به این صورت کیس مناسب ازدواج رو انتخاب کرد. به نظرم، یکیش فرار از مسئولیته؛ چون یه دختر یا پسر جوان به زور از پس خودش بر میاد دیگه نمی‌تونه یه نفر دیگه رو هم از لحاظ مالی حمایت کنه. به نظرم، با توجه به شرایطی که زندگی افراد داره انواع مختلفی از این ازدواج می‌تونه وجود داشته باشه. ازدواج برای کسب درآمد، لذت، فشار خانواده و زندگی، عدم مسئولیت‌پذیری افراد، کم‌رنگ شدن اعتقادات. شکل خاصی نداره، کپیه فقط، ولی واسه ما که جهان‌سومی هستیم خیلی چیز مهم و عالی به نظر می‌رسه، واسه بقیه دنیا یه چیز خیلی ساده و پیش پا افتاده‌ایه، بقیه دنیا ازش واسه پیش‌آشنایی و یجورایی شناخت کامل طرف استفاده می‌شه.» (کد ۱۱)

ط) آلوده‌انگاری^۱ عشق

حالتی از طرد و واپس‌زنی آنچه که برای خود، دیگری محسوب می‌شود و خود به این وسیله مرزهایی برای یک من همواره ناپایدار ایجاد می‌کند. آلوده چیزی است که شخص آن را طرد می‌کند، پس می‌زند و تقریباً به شدت از خود بیرون می‌راند. (حدائق، ۱۳۹۹، ۹۷) کریستوا^۲ در ارتباط با ماهیت ازدواج معتقد است، ارتباطی است که نه به عشق رمانتیک و فانتزی یکی شدن نزدیک است و نه با فردگرایی معاصر ربط و نسبتی دارد، بلکه تلاشی است برای محقق ساختن آنچه کریستوا پیش‌تر آن را فردیت اشتراکی نامیده بود (کریستوا و سولرس ۱۴۰۰) به نوعی مدرنیته منجر شده است دنیایی که قرارهای عاشقانه آنلاین، عاشقانه‌ای بی‌خطر را وعده می‌دهند و عشق اغلب نوعی میل و لذت‌گرایی تلقی می‌شود؛ اما در هر حال، جامعه مدرن جامعه‌ای اراده‌گرا است. جامعه‌ای ست که هر فرد می‌تواند جهانی نوراً ترسیم کند. (ناظری ۱۳۹۵) طبق تفاسیر مشارکت‌کنندگان، اراده افراد در روابط امروزی منجر به گسستن باهم بودن‌هایی دائمی و هم‌خانگی‌های موقت شده است.

1. abjection

2. Kristeva

«من از ازدواج سفید استقبال می‌کنم، خداییش میگما، ولی به شرطی که طرفم یا شوگرما می‌باشه یا بیش از حد پولدار، که اینارو تو خواب باید ببینم.» (کد ۳) شرکت‌کننده دیگری (کد ۷) می‌گوید: «عشق نیاز نوعی است که هرچه بیشتر پاسخگوی نیازها باشد، باثبات‌تر و بهتر خواهد بود. با این روابط حداقل میشه تویه مقطع خاصی نیازهایمون رو پاسخ بدیم. اگر هم طرف نتونست نیازها را پاسخگو باشه میشه بدون هیچ نگرانی رفت سراغ یکی دیگه. الانه عشق خیلی زود تبدیل به نفرت میشه. عشق که چه عرض کنم در این روابط این لذت هست که ما رو هدایت میکنه نه عشق.»

ک) مواجهه با دیگری و تجربه بازاندیشانه

ازدواج سفید به عنوان مؤلفه‌ای انضمامی از سبک زندگی مدرن، با مختصات ویژه، تقریباً هیچ تناسب معناداری با نیازها، انتظارات، اقتضائات، زیرساخت‌های فرهنگی، الگوها و قواعد هنجاری و تجربه‌های زیسته جامعه ایران به عنوان یک جامعه مذهبی دارای اکثریت مسلمان، برخوردار از حاکمیت دینی و ملتزم به شریعت اسلامی ندارد؛ بنابراین اولویت نیازهای فردی بر نیازهای گروهی، روابط اجتماعی نه‌چندان منسجم و گرایش به خودمختاری از ویژگی‌های کنشگری‌های امروزی است. (فرانزوی، ۱۳۸۸، ۲۲)

طبق نظر مشارکت‌کنندگان، فردگرایی به عنوان یکی از پیامدهای مدرنیته، به اغوا، توهم، جهل ساخت یافته، ایدئولوژی در معنای منفی و عدم انتخاب یک نفر به عنوان شریک زندگی، افزایش مصرف‌گرایی و تغییر الگوی گذران فراغت منجر می‌شود.

«من یک فرد آزاد هستم که حاضر به قبول این تعهد بزرگ نیستم؛ چون شاید در آینده تغییر کنم.» (کد ۲) شرکت‌کننده دیگر (کد ۱) این‌گونه روایت می‌کند: «من فکر می‌کنم وقتی کسی را دوست داریم می‌توانیم با او وارد رابطه شویم انسان آزاد است و حق تصمیم‌گیری دارد.»

ل) تربیت غیرمسئولانه والدین

احساس تعلق نداشتن به خانواده و مورد محبت و توجه قرار نگرفتن فرزندان توسط والدین باعث شده دختران در جست‌وجوی محبتی که احساس می‌کنند در خانه به آن‌ها ابراز نمی‌شود، به سوی افرادی که خود را به صورت مارهای خوش خط و خال جلوه داده، گرایش پیدا کنند و پسران به سوی بزهکاری؛ نظیر اعتیاد به مواد مخدر، مصرف مشروبات الکلی، سرقت و مخصوصاً بی‌بند و باری‌های جنسی کشیده شوند.

«تربیت نادرست خانواده و درک نکردن فرزندان، مسائل اقتصادی و سخت‌گیری‌های بیش از حد خانواده باعث شده که الآن ما جوان‌ها زندگی‌مون رو با انتخاب‌های اشتباه تباه کنیم هیچکس جز خودمون از این روابط آسیب نمی‌بینه.» (کد ۹)

م) جایگزینی کنشگری حسابگرانه با تقدیرگراییانه

بکر^۱ تصمیم ازدواج و روابط خانوادگی را همانند نظریه سنتی بنگاه‌های تجاری مورد تحلیل قرار داد. افراد، زمان را برای جست‌وجوی همسر مورد علاقه‌شان صرف می‌کنند تا شخصی را پیدا کنند که بیشترین مطلوبیت را برای آنها فراهم کنند و این کار مانند تلاش بنگاه‌ها برای یافتن بهترین نیروهای ممکن است. جست‌وجوهای طولانی‌تر منجر به اطلاعات بهتری درباره این می‌شود که آیا همسر احتمالی مطلوب‌ترین گزینه است یا خیر. طبق تفاسیر مشارکت‌کنندگان افرادی که در جوانی ازدواج می‌کنند، احتمال بیشتری دارد که طلاق بگیرند و این پیش‌بینی توسط داده‌های واقعی درباره ثبات زندگی زناشویی تأیید می‌شود. همچنین این نظریه پیش‌بینی می‌کند که ناامیدی درباره انتظارات و تغییر در انتظارات، باعث طلاق می‌شود و همانند بنگاهی که در پی حداکثر ساختن سود خود هست، خانواده نیز برای حداکثرسازی مطلوبیت خود از طریق تخصیصی شدن کارها عمل می‌کند و شوهران معمولاً در تولید بازاری و زنان در تولید خانوار تخصص پیدا می‌کنند. در نتیجه چنین تخصیصی است که زنان دستمزد بازاری پایین‌تری را دریافت می‌کنند. به اعتقاد بکر، این امر در نتیجه تبعیض نیست، بلکه ناشی از تصمیماتی است که در خانوارها درباره شغل‌های اعضای خانواده گرفته شده است.^۲

«خوبی این رابطه اینه که آدم هر وقت بخواد می‌تونه جدا بشه، مثلاً اگر ببینه که باهم سازگار نیستند، بدون مراحل قانونی و سختی‌های طلاق از هم جدا می‌شوند. ازدواج سفید اون چیزی که ازش شنیدم اینه که یه پسر و دختر باهم میرن زیر یه سقف و زندگی می‌کنن، بدون هیچ‌گونه دغدغه و ترسی؛ و مهم‌تر اینکه نیازی به عقد و ازدواج دائم ندارن، البته اینو هم از خارجیا کپی کردن و یاد گرفتن.» (کد ۵)

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش کیفی حاضر با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی، درصدد کسب دانش و فهم در

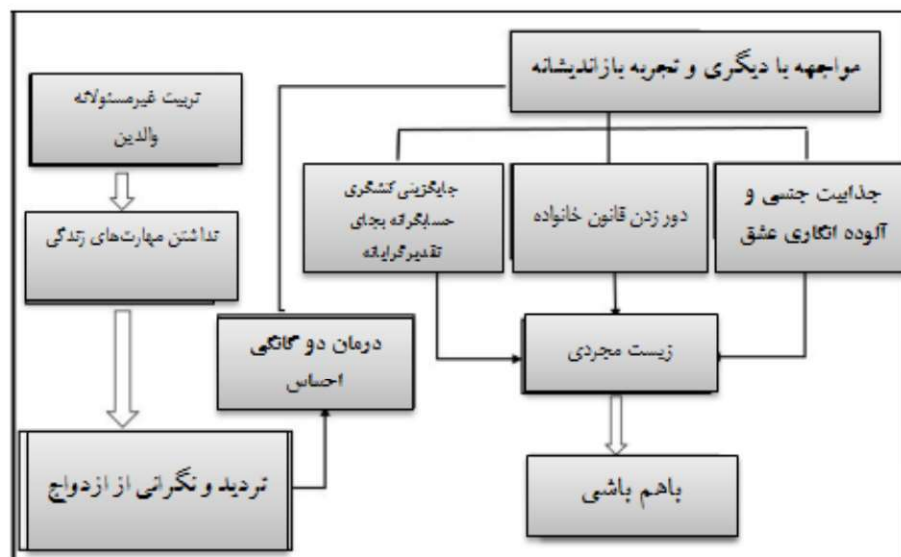
1. Beker

2. <https://donya-e-eqtasad.com/>

مورد تجربه زیسته افراد از هم خانگی با طرح این سؤال بود که چگونه این افراد تجربه روابط و هم خانگی را توصیف، فهم و معنا می کنند؟ در پاسخ به این سؤال، مجموع مضامینی که از مصاحبه ها استخراج شد، شامل ۱۲ مضمون اصلی و ۲۱۴ مضمون فرعی بود.

در ارتباط با بسترهای مؤثر بر ازدواج سفید، مفاهیمی به دست آمده است که در سه مقوله عمده و در سه سطح خرد، سطح میانه و سطح کلان قرار گرفته است. مقوله های سطح خرد، به تأثیر ویژگی های سطح فردی مانند گرایش ها و باورهای جدید، آلوده انگاری عشق و کنشگری حسابگرانه افراد و جذابیت جنسی تأکید دارد. مقولات سطح میانه مرتبط با ویژگی های روابط سطح بین فردی و گروهی در خانواده است. عمده مفاهیم این بخش به ویژگی های درون خانواده مرتبط هستند. دور زدن قانون خانواده، تربیت غیرمسئولانه و نداشتن مهارت های زندگی موجب شده تا همه کنش های افراد در مواجهه با دیگری و تجربه بازاندیشانه به صورت مجازی و بدون نظارت درآید.

سطح کلان در این پژوهش در رابطه با ویژگی های جامعه تعریف می شود. مفاهیم مرتبط با این سطح، واسازی ارزشی در جامعه است. نتایج این پژوهش را می توان در قالب نمودار ۱ مشاهده نمود.



طبق درون مایه آشکارشده دیگر توسط مشارکت کنندگان، مدرنیته و وسایل ارتباط جمعی جدید در کنار مشکلات عمیق اقتصادی و کمبود درآمد، سبب کم رنگ شدن باور به ازدواج رسمی و سنتی شده است تا جایی که منجر به برآوردن نیازهای طبیعی و جنسی افراد در پرتو مفاهیم ضدسنتی مانند هم باشی و ورود آن به ایران با ظهور باورهای فمینیسم شده است. امروزه پدیده‌ای به نام ازدواج سفید بر زندگی جوانانی که به دنبال خوش گذرانی از نوع رهایی بی قید و بند هستند، سایه افکنده است؛ به عبارت دیگر، ارزش گذاری افراد در رابطه تغییر کرده و اکنون تعهد عاطفی بر تعهد قانونی ارجحیت دارد.

طبق نظریه انتشار، کشور ایران نیز از تغییرات اجتماعی فرهنگی جهان مصون نمانده است؛ به گونه‌ای که خانواده‌های ایرانی نیز با قرار گرفتن در فرایند نوسازی در عرصه‌های گوناگون و از جمله مناسبات بین دو جنس، در فرایند کشمکش فرهنگی الگوهای سنتی و مدرن، وارد مرحله انتقالی شده‌اند و ضمن حفظ برخی از عناصر سنتی خود، برخی ویژگی‌های جامعه جدید را نیز دریافت کرده‌اند.

تغییرات ارزشی در ایران در سال‌های اخیر بر مناسبات اجتماعی تأثیرگذار بوده و تبعات متعددی برای جامعه به همراه داشته است.

یکی از درون مایه‌های آشکارشده در این پژوهش، مربوط به فرآیندهای قبل از ازدواج بود، فرآیندهایی که سبب ساز و مهیا کننده ازدواج سفید بوده است. در این رابطه، یکی از مضامین مؤثر بر شکل‌گیری این نوع ازدواج، رواج تک‌زیستی‌های مجردی است. تک‌زیستی‌هایی که امروزه به دلایلی همچون ادامه تحصیل و حضور در دانشگاه فرصت‌های بیشتری را برای تعامل با افرادی در زمینه‌های قومی و نژادی دیگر فراهم می‌کند. از درون مایه آشکارشده دیگر توسط مشارکت کنندگان، دور زدن قانون خانواده است. به نوعی سخت‌گیری‌ها و تعصباتی که در خانواده‌ها وجود دارد، باعث می‌شود در بعضی مناطق کشور ازدواج فرزندان، بالاخص دختران با انتخاب متعصبانه اعضای خانواده شکل بگیرد و فرزندان برای فرار و خاصی از این تحمیل ناخواسته، تن به ازدواج سفید بدهند. این یافته تأییدی بر نتایج نیازی (۱۳۹۳)، کریمیان (۱۳۹۴)، میرباقری (۱۳۸۱)، آزاد ارمکی (۱۳۹۰) و شرلین (۲۰۲۰) است.

از درون مایه آشکارشده دیگر توسط مشارکت کنندگان، واسازی ارزشی و کنشگری فردگرایانه است. امروزه تغییرات ارزشی در جامعه، عملاً افراد را در خود فروبرده و بیشتر به سوی کنش‌های فردگرایانه می‌کشاند. تغییرات بین نسلی منجر به جایگزینی ارزش‌های

جمع‌گرایانه به فردگرایانه شده است. این یافته همسو با مطالعات فرهمند (۱۳۹۹)، کریمیان (۱۳۹۴)، آزاد ارمکی (۱۳۹۰)، کالو (۲۰۲۲) و شرلین (۲۰۲۰) است.

به عقیده باومن^۱، وقتی افراد صرفاً به تمایلات جنسی خودشان می‌پردازند، در این فرایند از ملاحظات اخلاقی جدا می‌شوند. باومن مطرح می‌کند که قرار گرفتن در این مسیر با ذات انسان در تقابل است؛ چراکه هر انسانی تمایل دارد تا از لحاظ اخلاقی فقط به یک نفر وابسته باشد و همچنین اعتماد داشته باشد که فرد مقابلش به کس دیگری متعلق نیست. این تقابل روح و ذات، هر انسانی را آزار می‌دهد. در این نگاه، رفتارهای مصرف‌گرایانه نسبت به هر انسانی باعث می‌شود او از ذات خود فاصله بگیرد و درواقع، نسبت به هم‌نوع خودش با رفتاری مصرف‌گرایانه، ابزارگونه و لذت‌محور رفتار کند.

به‌طورکلی بیشتر تحقیقات نشانگر این مطلب است که علتی که افراد برای ازدواج سفید ارائه می‌دهند، این است که آیا آنها به اندازه کافی برای ازدواج باهم تفاهم دارند یا خیر. برخلاف باور عامه، درصد زندگی‌هایی که منجر به جدایی می‌گردد و یا رابطه مشترکشان با شکست روبه‌رو می‌شود، در بین زوج‌هایی که قبل از ازدواج رسمی و پیوند زناشویی، باهم زندگی می‌کرده‌اند، بیشتر است و علت آن هم این است که زندگی مشترک در یک خانه بدون ازدواج رسمی، رفتار و کردار طرفین را طوری متحول می‌سازد که در ازدواج رسمی نسبت به هم تعهد کمتری پیدا می‌کنند و کسانی که ازدواج سفید را انتخاب می‌کنند، دارای شرایطی هستند که خودشان تمایل بیشتری به ازدواج سفید نشان می‌دهند و برای ازدواج رسمی زیاد گزینه مناسبی نیستند.

یافته‌ها حاکی از آن بوده که اکثر زنانی که وارد این نوع رابطه شده بودند، در دراز مدت تمایل داشتند ازدواج رسمی داشته باشند؛ یعنی ازدواج سفید را عاملی برای تسهیل ازدواج رسمی و درگاهی برای آشنایی قبل از ازدواج رسمی می‌دانستند و در زمان حاضر، به دلیل فراهم نبودن شرایط اقتصادی-اجتماعی و حقوقی تن به ازدواج سفید داده بودند. این در حالی بود که مردان تمایل کمتری به ازدواج رسمی داشتند یا اینکه قصد ازدواج با هم‌خانه‌شان را نداشتند. این یافته تأییدی بر نتایج مطالعات موحّد (۱۳۸۵)، احمدنیا و عبداللهیان (۱۳۸۳)، براون (۲۰۰۶)، کولا و پویل (۲۰۱۰) و شرلین (۲۰۲۰) است.

همچنین یکی از جنبه‌های منحصربه‌فرد این پژوهش، زمان‌بندی آن با همه‌گیری ویروس کرونا است. در طول این مدت، ممکن است افراد بسیاری، به دلیل فشارهای

خارجی قرنطینه و سرپناه در محل باهم نقل مکان کرده باشند. همچنین در ایران آمارهای رسمی و قابل استنادی به دلیل محدودیت‌های موجود درباره میزان رواج این شیوه زندگی وجود ندارد.

در ادامه، با اشاره به پیامدهای ازدواج سفید و مبتنی بر نتایج این پژوهش، راهکارهای ذیل پیشنهاد می‌شود؛ با لحاظ نمودن این مسئله که در همه زمینه‌های زندگی، مسائل اقتصادی تأثیر بسزایی در کیفیت زندگی اشخاص دارد و کشور ما نیز از این امر مستثنا نیست و به نوعی می‌توان گفت به خاطر وضعیت آشفته‌ای که بر آن حاکم است، فشارهای اقتصادی به جوانان و کسانی که طالب ازدواج هستند وارد می‌شود. اکثر جوانان به خاطر مشکلات اقتصادی و عدم توانایی در تأمین سرمایه، کار، مسکن و غیره قادر به تعهد رسمی در قبال پیوند ازدواج زناشویی دائم نیستند؛ بنابراین ترجیح می‌دهند روابط جنسی و عاطفی خود را در قالب ازدواج سفید بنا کنند و مدیریت نمایند.

مهم‌ترین دلیلی که این افراد درباره روی آوردن به این ازدواج ذکر می‌کردند نیز عدم اعتقاد به ازدواج رسمی، آزادی انتخاب و حق بر بدن، عدم امنیت شغلی و درآمد کافی، آشنایی بیشتر و عدم اعتماد بوده است. همچنین این پدیده محصول آشفتگی اجتماعی و نوعی سبک زندگی بیمارگونه است که علاوه بر ایجاد هویت دوگانه برای طرفین درگیر در آن و بروز انواع خشونت‌ها علیه زنان، آسیب‌های دیگری را به عنوان رهاورد به همراه خواهد داشت.

ایده‌های تحقیقاتی آتی می‌تواند دربردارنده مطالعه تأثیر استفاده از فهرست گفتگوهای قبل از زندگی مشترک و درخواست بازخورد از طرف افراد در روابط و درمانگران و همچنین افرادی است که از فهرست‌ها به روش‌های مختلف تجویز شده، استفاده نموده‌اند. با بررسی کاربرد مکالمات قبل از زندگی مشترک، به طور خاص با کسانی که تصمیم به نقل مکان با یکدیگر دارند، هدف این است که مشخص شود آیا این فرآیند بدون توجه به نتایج، به شرکا در اتخاذ این تصمیم کمک می‌کند یا خیر. ممکن است این فرآیند به شرکا کمک کند که به دلیل ایده‌ها، ارزش‌ها و نظرات متضاد تصمیم بگیرند که با یکدیگر حرکت نکنند که نتیجه‌ای به همان اندازه ارزشمند است.

تحقیقات تکمیلی همچنین می‌تواند به تعیین اینکه چگونه دسته‌های مختلف با روابطشان تناسب دارند، اگر شرکای قادر به پایبندی به مذاکرات، تصمیم‌گیری‌ها و تعاریف توسعه یافته در طول فرآیند هستند و اینکه چگونه مهارت‌های ارتباطی آن‌ها به

برساخت تغییر معنای زندگی مشترک برای روابط همجنس‌گرایان تأثیر می‌گذارد، کمک نماید. همچنین توصیه می‌شود، تحقیقات آینده رویکردی فمینیستی و دگرباش را بپذیرند تا همچنان صدای آن هویت‌های به حاشیه رانده شده، از جمله نژاد، مذهب، جنسیت، گرایش جنسی، و ساختارهای روابط برجسته شود.

منابع

۱. احمدنیا، شیرین، و هوشنگ مهریار. ۱۳۸۳. نگرش و ایدئال‌های نوجوانان تهران در زمینه همسرگزینی، فرزندآوری و تنظیم خانواده. مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، با عنوان بررسی مسایل جمعیتی ایران با تأکید بر جوانان. دانشگاه شیراز: انتشارات مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه. ۱۹.
۲. آزاد ارمکی، تقی، شریفی ساعدی، محمدحسین، ایثاری، مریم، و سحر طالبی. ۱۳۹۱. هم‌خانگی، پیدایش شکل‌های جدید خانواده در ایران، جامعه پژوهی فرهنگی. ۳ (۱): ۴۳-۷۷.
۳. دبیریان تهرانی، حسین، و ملیحه کاظمی نسب. ۱۳۹۲. بازپایی هویت جمعی غالب در میان جوانان شهرری در فرایند جهانی شدن، مطالعات جامعه‌شناختی ایران، ۳ (۱۰): ۴۷-۶۲.
۴. کریمیان، نادر، سالاری، سمانه، و بختیار ملک‌کاری. ۱۳۹۴. رابطه هم‌خانگی در ایران: بررسی کیفی علل و انگیزه‌های گرایش به آن، مطالعات روان‌شناسی بالینی، ۶ (۲۱): ۱۷۷-۲۰۰.
۵. فرهنگند، مهناز، جواهرچیان، ندا، و لیدا هاتفی راد. ۱۳۹۳. جهانی شدن فرهنگ و بازاندیشی تعاملات جنسی (مورد مطالعه، جوانان شهر یزد). مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی. ۵ (۱۴): ۱۷۵-۲۰۴.
۶. عسگری ارجنکی، سید احمد. ۱۳۹۵. واکاوی ازدواج سفید و میزان تأثیر آن بر جرایم و آسیب‌های اجتماعی با رویکرد به شهرستان فارس. همایش پایش جرایم و آسیب‌های اجتماعی و راهکارهای پیشگیرانه.
۷. کریستوا، ژولیا، و فیلیپ سولرس. ۱۴۰۰. ازدواج به مثابه هنر. ترجمه مهرداد پارسا، و فائزه جعفریان. تهران: انتشارات شوند.
۸. رمضان‌فر، حدیثه، و محمدعلی آدیش. ۱۳۹۷. مطالعه تجربه زیسته افراد در مورد ازدواج سفید در ایران (مطالعه کیفی جوانان شهرستان گیلان). مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی. ۱۷ (۱): ۱۹۵-۲۱۷.
۹. شعاع کاظمی، مهرانگیز، فرح فرازنده پور. ۱۳۹۸. رابطه بین سبک زندگی و تأخیر سن ازدواج در دانشجویان. پژوهشنامه سبک زندگی. ۲ (۹): ۱۲۵-۱۳۹.
۱۰. گلچین، مسعود، و سعید صفری. ۱۳۹۶. کلان‌شهر تهران و ظهور نشانه‌های الگوی تازه‌ای از روابط زن و مرد؛ مطالعه زمینه‌ها، فرایندها و پیامدهای هم‌خانگی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. ۱۰ (۱): ۲۹-۵۷.
۱۱. عبداللهیان، حمید. ۱۳۸۳. ارزش سنت و بازتولید فرهنگی. مجموعه مقالات دومین همایش

انجمن جمعیت‌شناسی ایران، با عنوان بررسی مسایل جمعیتی ایران با تأکید بر جوانان، دانشگاه شیراز: انتشارات مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

۱۲. میرباقری، مرتضی. ۱۳۸۱. نتایج پژوهش ملی در وضعیت و نگرش و مسائل جوانان ۱۴ تا ۱۹ ساله استان تهران. تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان.

۱۳. موحد، مجید، و محمدتقی عباسی شوازی. ۱۳۸۵. بررسی رابطه جامعه‌پذیری و نگرش دختران به ارزش‌های سنتی و مدرن در زمینه روابط بین شخصی دو جنس پیش از ازدواج. مطالعات اجتماعی-روان‌شناختی زنان (مطالعات زنان). ۴(۱): ۶۷-۹۹.

۱۴. نیازی، محسن، و لیلا پرنیان. ۱۳۹۳. سنخ‌بندی دوستی‌های بین دو جنس (مورد مطالعه: دختران جوان شهر کرمانشاه). زن در توسعه و سیاست. ۱۲(۴): ۵۵۹-۵۷۶.

۱۵. نصرتی نژاد، فرهاد، امیدوار، پوران، و فردین منصوری. ۱۳۹۸. تبیین جامعه‌شناختی بروز و گسترش هم‌باشی (ازدواج سفید). دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. <https://cws.ut.ac.ir/fa/white-marriage>

۱۶. ناظری، مهرداد. ۱۳۹۵. عشق در دنیای مدرن. تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران.

17. Braithwaite, S, and J, Holt-Lunstad. 2017. Romantic relationships and mental health. *Current Opinion in Psychology*. 13: 120-125.
18. Brown, E., Schmidt, B., Morrow, C., & G. Rouge Aux-Burns. 2021. Pre-Cohabitation Conversations for Relationships: Recommended Questions for Discussion. *Contemporary family therapy*. 1-15. Advance online.
19. Brown, S. L., Manning, W. D., & K. K. Payne. 2017. Relationship quality among cohabiting versus married couples. *Journal of Family Issues*. 38(12): 1730-1753
20. Brown, S. L., Sanchez, L. A., Nock, S. L., & J. D. Wright. 2006. Links between premarital cohabitation and subsequent marital quality, stability, and divorce: A comparison of covenant versus standard marriages. *Social Science Research*. 35: 454-470.
21. Bulloch, A.G.M., Williams, D.H., and S.B. Lavoratio. Patten the depression and marital status relationship is modified by both age and gender. *Journal of Affective Disorders*. 223: 65-68.
22. Calvo, P. 2022. The Effects of Institutional Gaps between Marriage and Cohabitation. Job market paper. The Effects of Institutional Gaps between Marriage and Cohabitation.
23. Cherlin, A. J. 2020. Degrees of change: An assessment of the deinstitutionalization of marriage thesis. *Journal of Marriage and Family*. 62(1): 80-82.
24. Horowitz, J., Graf, N., and G. Livingston. 2019. Marriage and Cohabitation in the U.S. for MEDIA OR OTHER INQUIRIES: Kim Parker, Director. Social

- Trends Research Juliana Horowitz. Associate Director. Research Tanya Ardit. Communications Manager. 202.419.4372 www.pewresearch.org.
25. Ishizuka, P. 2018. The economic foundations of cohabiting couples' union transitions. *Demography*. 55(2): 535-557.
 26. James, S. L., & B. A. Beattie. 2012. Reassessing the link between women's premarital cohabitation and marital quality. *Social Forces*. 91: 635-662
 27. Kulu, H., and P. Boyle. 2010. Premarital cohabitation and divorce: Support for the "Trial Marriage" Theory? *Demographic Research*. 23(31): 879-904.
 28. Kuperberg, A. 2019. Premarital cohabitation and direct marriage in the United States: 1956-2015. *Marriage & Family Review*. 55: 447-475.
 29. Lichter, D. T., & Z. Qian. 2019. the study of assortative mating: Theory, data, and analysis. In R. Schoen (Ed.). *Analytical family demography*. 303-337. Basel. Switzerland: Springer International.
 30. Liefbroer, A., & E. Dourleijn. 2006. Unmarried cohabitation and union stability: Testing the role of diffusion using data from 16 European countries. *Demography*. 43: 203-221.
 31. Manning, W. D., & J. B. Stykes. 2015. Twenty-five years of change in cohabitation in the U.S. 1987-2013 (FP-13-12). Retrieved from <http://www.bgsu.edu/content/dam/BGSU/college-of-arts-and-sciences/NCFMR/documents/FP/FP-15-01-twenty-five-yrs-cohab-us.pdf>.
 32. Obeng-hinne, R., and A. kpoor. 2022. Cohabitation and Its Consequences in Ghana. *journal of family Issues*. 4(2): 283-305.
 33. Soulsby, L., and K. Bennett. 2015. Marriage and Psychological Wellbeing: The Role of Social Support. *Psychology*. 6: 1349-1359.
 34. Vespa, J. 2014. Historical trends in the marital intentions of one-time and serial cohabiters. *Journal of Marriage and Family*. 76: 207-217.
 35. Wagner, BG. 2019. Marriage, cohabitation, and sexual exclusivity: Unpacking the effect of marriage. *Social Forces*. 97(3):1231-1256.
 36. Zella, S. 2017. Marital status transitions and self-reported health among Canadians: A life course perspective *Applied. Research Quality Life*. 12: 303-325.